فهرست مطالب

**اشاره به مباحث قبل:** 2

جمع‌بندی روایات 2

4. عناوین سلبی و ایجابی 2

5. شمول روایات نسبت به امور غیرعبادی 4

6. خودسازی و دیگر سازی 5

7. حکم کراهت یا حرمت 5

8. بالفعل و بالقوه 6

9. اختصاص روایات به مستحبات 7

بسم الله الرحمن الرحیم

**موضوع: اصول و روش‌های تربیتی/ اصل قدرت و استطاعت مربی و متربی (رفق و مدارا)**

**اشاره به مباحث قبل:**

در مجموعه‌ای از روایات در ارتباط با اعمال خود انسان توصیه شده است به اینکه با رفق و مدار در اعمال عبادی رفتار کند و از تندروی و کثرت در عبادت که منجر به زدگی روحی می‌شود، پرهیز شود. ذیل روایات باب 26 از ابواب مقدمات عبادات، به چند مطلب به صورت فهرست‌وار می‌پردازیم؛

جمع‌بندی روایات

در جمع‌بندی، در جلسه قبل سه مطلب بیان شد.

4. عناوین سلبی و ایجابی

در این روایات دو نوع عنوان وارد شده است. بعضی عناوین سلبی و بعضی ایجابی بود. عنوان ایجابی در روایات 6 و 7 و ... آمده است مانند تعبیرات: «**فاوْغِلُوافِيهِ بِرِفْقٍ**»[[1]](#footnote-1)؛ «**فَأَوْغِلْ فِيهِ بِرِفْقٍ**»[[2]](#footnote-2) امر شده که با رفق وارد دین شوید. با خودت مدارا کن، در عبادات مستحب سخت نگیر، داخل در دین شوید با ملایمت و نرمی و مدارا.

اما عنوان دیگر، عناوینی است که جنبه سلبی را بیان می‌کند مانند: **«لَا تُبَغِّضْ إِلَى نَفْسِكَ عِبَادَةَ رَبِّكَ»**؛[[3]](#footnote-3) «**وَ لَا تُكَرِّهُوا عِبَادَةَ اللَّه‏ إِلَى عِبَادِ اللَّهِ**»؛ و ... عبادت را مبغوض و ناپسند قرار ندهید.

این دو نوع تعبیر است، بین این دو تعبیر، فاصله و واسطه است. زیرا گاهی کسی عبادت می‎‌کند همراه با فشارهایی که زدگی پیدا می‌کند و ممکن است از دین و عبادت برگردد. گاهی در این حد نیست بلکه با یک حجم بالایی عبادت می‌کند اما نه در حدی که زدگی ایجاد کند، ولی درعین‌حال رفق و مدارا در آن صادق نیست. بین عنوان ایجابی و سلبی واسطه است پس سه حالت متصور است:

1) تحمیل عبادات زیاد بر خود که آرام‌آرام زدگی می‌آورد. تندروی نسنجیده در عمل به‌تدریج موجب زدگی می‌شود و ممکن است کلاً عبادت را کنار بگذارد.

2) گاهی عبادت زیاد موجب تبغیض نمی‌شود، به این حد از شدت نیست درعین‌حال با درجه بالایی انجام می‌دهد، آرامش ندارد.

3) گاهی همراه با رفق و مدار عبادت می‌کند. عنوان اولی، کنار زده می‌شود اما عنوان ایجابی بینابین هم ممکن است بر اساس روایات نفی شود.

حقیقت مسأله این است که هیچ‌کدام از روایات با نظر دقیق رجالی سند تام نداشت اما مجموعه روایات را نمی‌توان کنار گذاشت؛ در مجموعه فقط باید به قدر متیقن اکتفا کرد. مجموعه‌ی روایات یک خط کلی می‌دهد و آن اینکه سخت‌گیری‌های در حد بالا را باید کنار گذاشت؛ سخت‌گیری گاهی همراه با بدعت است؛ گاهی سخت‌گیری به حدی است که حالت طبیعی فرد را می‌گیرد مانند اینکه او را از انجام نقش‌های اجتماعی و خانوادگی بازمی‌دارد؛ این مقدار، قدر متیقن از مفهوم روایات است اما لزوم رفق بیشتر از روایات به دست نمی‌آید.

پس اولاً، سخت‌گیری همراه با بدعت ممنوع است.

ثانیاً، سخت‌گیری که فرد را از نقش خانوادگی و اجتماعی بازدارد، هم ممنوع است.

سوم اینکه ممنوع است جوری وارد عبادت شود که عبادت برای او بی‌لذت و ناپسند و مکروه شود، نشاط را از بین ببرد و نشاط به ضد خودش مبدل شود. مدلول روایات این سه مرتبه را شامل می‌شود اما بیش از آن را شامل نمی‌شود. پس خروج از وضع طبیعی و دور شدن از نقش‌های اجتماعی و خانوادگی و آنچه موجب بی‌علاقگی و بی‌انگیزگی فرد می‌شود، نباید انجام شود.

از مجموع روایات، روایت اول معتبر بود و بقیه روایات معتبر نبود و همه دچار ضعف بود. بر اساس محتوای روایت اول، شدّت بالایی از عبادت بوده که امام باقر (ع) نهی کرده است. پس مراد از رفق و مدار، کاهش عبادت نیست بلکه شدت و حدّت در برنامه‌های عبادی فراتر از کشش خود شخص مراد است.

5. شمول روایات نسبت به امور غیرعبادی

مطلب پنجم این است که این روایات در عبادات وارد شده است، ظهور روایات عباداتی از قبیل نماز، روزه، اذکار، قرائت قرآن و ... است، تعبدیات به معنای خاص. سؤال این است که آیا شامل اعمال نیک دیگر می‌شود یا نه؟ مثلاً آیا در انفاق و احسان فراتر از حد متعارف انجام دهد، چه حکمی دارد؟ کسی را می‌شناسم به خاطر کمک به ادای قرض رفیقش، خانه‌ی خود را فروخت. افراط در مهمان‌نوازی و ... آیا مشمول مدلول روایات مذکور است؟

پاسخ این است که سایر امور نیک را شامل می‌شود اما نه بر اساس مدلول مطابقی بلکه بر اساس فحوا و اولویت. در عبادت که چنین است، در عین عبادت بودن چیزی که موجب اختلال در زندگی شود، منفی است.

ایثار خوب است اما به شرطی که موجب «تکریه» به دین نشود. حتی ممکن است حقوق خانواده یا دیگران را زیر پا بگذارد. نباید موجب ناپسندی دین شود. زندگی اجتماعی باید جریان داشته باشد. تضییع حق دیگران هم جایز نیست.

ما به آیات نپرداختیم، ولی این نکته را عرض کنم که بر اساس مدلول آیه شریفه «**وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَى عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا**»[[4]](#footnote-4)، روایات اختصاص به امور عبادی ندارد. نباید کاری کرد که دل‌زدگی ایجاد کند! زندگی اجتماعی و خانوادگی نباید مختل شود. نباید حقی از کسی تضییع شود. پس در مجموع روایات امور غیرعبادی را هم شامل می‌شود.

6. خودسازی و دیگر سازی

مطلب ششم در این روایات این است که، روایات مربوط به خود شخص است که نباید به خود سخت‌گیری کند، در مورد دیگران و در مقام تعلیم و تربیت و تبلیغ چطور؟ اینجا شبیه جوابی است که در مطلب پنجم بیان شد. روایات عموماً در مورد شخص است ولی به طریق اولی شامل دیگران می‌شود. گرچه برای ممنوعیت سخت‌گیری برای دیگران، ادله‌ی دیگری هم داریم. برای تربیت و تبلیغ دیگران نباید به‌گونه‌ای سخت گرفت که موجب زدگی متربی شود. در این مورد روایات دیگر هم داریم. اگر روایات دیگر هم نداشتیم، همین روایات بالاولویه بر ممنوعیت افراط در سخت‌گیری بر متربی دلالت می‌کرد.

ممکن است گفته شود، مناط هر دو یکی است، نیاز به اولویت‌سنجی نداریم؛ باید عرض کنم که بر اساس «**وَ لَا تُكَرِّهُوا عِبَادَةَ اللَّه‏ إِلَى عِبَادِ اللَّهِ**»، وظیفه شخص نسبت به دیگران را بیان می‌کرد، ممکن است روایت اول هم به نحوی دال بر همین مقصود باشد، اما ملاک اولویت، مناط‌گیری است.

در مقام تبلیغ و تربیت، اصل، مولویت در تربیت و تبلیغ احکام است. بر اساس روایت اول، امام (ع) به فرزندش می‌گوید این کار را نکن، ممکن است گفته شود که به نحوی به ما هم درس می‌دهند.

7. حکم کراهت یا حرمت

مطلب هفتم در ذیل روایات این است که، آیا حکم مستفاد از روایات کراهت است یا حرمت؟

در چند روایت «نهی» وارد شده است. تعبیرات: «**لا تکرهوا**»، «**لا تبغضوا**» و «**دون ما اراک تصنع**»، در مجموع نهی دارد. عنوان «**وَ لَا تُكَرِّهُوا عِبَادَةَ اللَّه‏ إِلَى عِبَادِ اللَّهِ**»[[5]](#footnote-5) و «**وَ لَا تُبَغِّضْ إِلَى نَفْسِكَ عِبَادَةَ رَبِّكَ**»[[6]](#footnote-6) تناسب با کار حرام دارد. اصل آن است که حکم تحریمی است به خاطر ورود نهی و به خاطر تناسب حکم و موضوع و اینکه همه موارد نمی‌تواند حرام باشد لذا درجاتی از آن مکروه است. اینکه امام باقر (ع) امام صادق (ع) را نهی می‌کند، قطعاً نهی از حرام نیست، بلکه ممکن است به معنای «اقل ثواباً» باشد.

ممکن است از نظر شخصیتی، ذهنیت فرد منفی شود و یا حقی از کسی تضییع شود، در این صورت حرام خواهد بود.

سند روایات فی‌الجمله مقبول شد، ولو بیشتر روایات ضعیف بود لذا آنچه از محتوای آن‌ها به دست می‌آید، فی‌الجمله است لذا همیشه دال بر حرمت نیست.

پس با توجه به روایات به خصوص روایت اول که معتبر بود، درجاتی از سخت‌گیری مکروه و درجاتی حرام و برخی درجات اقل ثواباً است. در مقابل در جانب رعایت رفق، درجاتی از رفق و مدار مستحب است و درجاتی لازم است. ملاک در سطح حرمت در اینجا تنفر است.

8. بالفعل و بالقوه

مطلب هشتم اینکه عنوانی که باعث می‌شود عمل موجب بغض یا کراهت شود، اعم است از بالفعل و بالقوه، فی الحال یا فی المستقبل. حتی اگر کاری در آینده زمینه‌ی بغض یا کراهت شود، حرام است.

از طرف دیگر تشخیص این مسأله به یکی از دو راه ممکن است:

1ـ حس، اطمینان و نظر شخصی خود فرد.

2ـ مطابقت بر حجت و نظر کارشناسی. کارشناسی روان‌شناس یا کسانی دیگر.

البته در صورت تعارض دیدگاه دو کارشناس، به تساقط منجر می‌شود.

تناسب حکم و موضوع، احتمال عقلایی را بیان می‌کند، حتی ممکن است سن و سال و شرایط دیگر هم تأثیر داشته باشد.

9. اختصاص روایات به مستحبات

مطلب نهم این است که آیا روایات اختصاص به مستحبات دارد یا شامل واجبات هم می‌شود؟

جواب مرحوم حر عاملی این است که اختصاص به مستحبات دارد، یعنی فقط در مستحبات نباید سخت‌گیری کرد و لازم است با رفق و مدارا عمل کند؛ مثلاً ختم یک دوره کامل قرآن در یک روز، هزار رکعت نماز در یک روز و ... ممکن است انسان را از نقش‌های اجتماعی و خانوادگی باز دارد لذا نهی شده است. در بعضی روایات غیر معتبر که بیشتر در مستدرکنقل شده است، در وصیت امام علی (ع) آمده است «**لَا رُخْصَةَ فِي فَرْضٍ وَ لَا شِدَّةَ فِي نَافِلَةٍ**»[[7]](#footnote-7) ظاهر روایات اختصاص به مستحبات است. قدر متیقن هم مستحبات است.

در روایت حارث همدانی هم دارد که **فِي كِتَابِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع) إِلَى الْحَارِثِ الْهَمْدَانِيِ‏** **«وَ خَادِعْ نَفْسَكَ فِي الْعِبَادَةِ وَ ارْفُقْ بِهَا وَ لَا تَقْهَرْهَا وَ خُذْ عَفْوَهَا وَ نَشَاطَهَا إِلَّا مَا كَانَ مَكْتُوباً عَلَيْكَ مِنَ الْفَرِيضَةِ فَإِنَّهُ لَا بُدَّ مِنْ قَضَائِهَا وَ تَعَاهُدِهَا»**. [[8]](#footnote-8)

در این روایت تصریح شده که روایات نسبت به واجبات اطلاق ندارد. در مستحبات نباید زیاده‌روی کرد اما مدلول این روایات واجبات را شامل نمی‌شود. مستحباتی که در داخل واجبات است از قبیل قنوت در نماز، مشمول ادله است.

1. **. كافي ج 2 ص 86؛ ج‏1، ص: 110.** [↑](#footnote-ref-1)
2. **. كافي ج 2 ص87.** [↑](#footnote-ref-2)
3. **. كافي ج 2 ص87.** [↑](#footnote-ref-3)
4. **. سوره اسراء، آیه 29.** [↑](#footnote-ref-4)
5. . الكافي (ط - الإسلامية)، ج‏2، ص: 86. [↑](#footnote-ref-5)
6. . همان، ص: 87. [↑](#footnote-ref-6)
7. **. مستدرك نهج البلاغة للمحمودي ج 8 ص 223؛ مستدرك الوسائل و مستنبط المسائل، ج‏1، ص: 146.** [↑](#footnote-ref-7)
8. **. نهج البلاغة ج 3 ص 143 كتاب 69، عنه في البحار ج 87 ص 30 ح 14.** [↑](#footnote-ref-8)